

Exposition of the Constituent Elements of Political Identity from the Perspective of Nahj al-Balagha

Hossein Fattahi Ardakani

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran (*Corresponding author*). h-fattahi@ardakan.ac.ir

Abstract

The aim of the present study is to elucidate the constituent elements of political identity from the perspective of Nahj al-Balagha. Political identity is one of the most important components of forming a political system and distinguishing the political agency of "us" from "others." Philosophically, identity does not inherently exist but is constructed as the basis for action and behavior. However, politically, identity distinguishes "us" from "others." Political identity involves answering two critical questions: Who am I? and Who am I not? The answers to these questions lead to the differentiation between our identities. With the passing of the Prophet (PBUH) and the beginning of the era of the three caliphs, the foundations of divine political identity were marginalized. However, with the advent of the rule of Imam Ali (AS), through his struggles, the foundations of divine political identity were once again incorporated into his political and governmental framework. Therefore, the study of divine political identity necessitates understanding its constituent elements from the perspective of Nahj al-Balagha. This research, focusing on the importance of political identity, seeks to answer the question: What are the constituent elements of political identity from the perspective of Nahj al-Balagha? The research method is descriptive-analytical, analyzing the content of Nahj al-Balagha's themes. The results indicate that selflessness, duty orientation, opposition to oppression, people's participation, and justice are the main elements considered by Nahj al-Balagha. The implications of employing these elements in the Alawi political system include emphasizing the derivation of power from the eternal divine source, the inseparability of rights and duties in the political system, confronting any form of oppression, relying on the votes and opinions of the people, and implementing complete justice at its highest levels. Therefore, the rulers of the Islamic community must, in line with preserving the Islamic identity of society, emphasize these elements and earnestly endeavor to raise awareness and expand them throughout society so that society becomes increasingly closer to the desired ideals and Islamic values. This path will be accessible through proper political inclusiveness and a step-by-step process, with the design of a clear and precise framework by committed elites and experts.

Keywords: Political Identity, Imam Ali (AS), Nahj al-Balagha, People's Participation, Justice, Opposition to Oppression.

Received: 2023-03-26 ; Received in revised form: 2023-05-29 ; Accepted: 2023-07-08 ; Published online: 2023-09-24

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.553393.1880>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه

حسین فتاحی اردکانی

استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران (نویسنده مسئول)
h-fattahi@ardakan.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه است. هویت سیاسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل نظام سیاسی و فصل تمایز کنشگری سیاسی «ما» در برابر «دیگران» است. از نظر فلاسفه، هویت اساساً وجود خارجی ندارد، بلکه امری است که ساخته می‌شود و سپس مبنای عمل و رفتار قرار می‌گیرد، اما از نگاه سیاسی هویت امری است که «ما» را از «دیگران» متفاوت می‌کند. در واقع هویت سیاسی شامل پاسخ به دو سوال مهم است: من که هستیم؟ و من که نیستیم؟ پاسخ به این سوال‌ها موجب تمایز بین «ما» و «دیگر» هویت‌های موجود در اطراف ما می‌شود. با رحلت پیامبر(ص) و آغاز دوران خلافت خلفای سه‌گانه، مبانی هویت سیاسی الهی به حاشیه رانده شد و پس از آغاز دوران حکومت حضرت علی(ع)، با مجاهدت آن حضرت، مبانی هویت سیاسی الهی مجدداً در متن روش سیاسی و حکومتی ایشان قرار گرفت. بنابراین، مطالعه هویت سیاسی الهی نیازمند شناخت مؤلفه‌های آن از منظر نهج‌البلاغه است. این پژوهش با تمرکز بر اهمیت هویت سیاسی به دنبال پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه کدامند؟ روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر تحلیل محتوای مضامین نهج‌البلاغه است. نتایج نشان داد که خدامحوری، تکلیف‌گرایی، ظلم‌ستیزی، مشارکت مردم و عدالت‌ورزی، مؤلفه‌های مد نظر نهج‌البلاغه هستند که پیامدهای به‌کارگیری آنها در نظام سیاسی علوی، تأکید بر سرچشمه گرفتن قدرت از منبع لایزال الهی، توأم بودن حق و تکلیف در نظام سیاسی، مقابله با هرگونه آثار ظلم، اتکاء به رأی و نظر مردم و اجرای کامل عدالت در عالی‌ترین مراتب آن می‌باشد. بنابراین، حاکمان جامعه اسلامی باید در راستای حفظ هویت اسلامی جامعه ضمن تأکید بر مؤلفه‌های فوق، در راستای آگاهی‌بخشی و گسترش آن در سطح جامعه جدید لازم را داشته باشند، تا جامعه به آرمان‌های مطلوب و مورد نظر ارزش‌های اسلامی هرچه بیشتر نزدیک شود. این مسیر به وسیله فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی صحیح و در یک فرایند گام به گام، با طراحی چارچوبی روشن و دقیق توسط نخبگان و متخصصان متعهد، در دسترس قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: هویت سیاسی، حضرت علی(ع)، نهج‌البلاغه، مشارکت مردم، عدالت، ظلم‌ستیزی.

استاد به این مقاله: فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۲). تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه، *سیاست متعالیه*، ۱۱(۳): ۱۱۹-۱۳۴.
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.553393.1880>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

انسان همواره در پی آن است که خود را بشناسد و از دیگران تمیز دهد. در واقع هویت پاسخ به این سؤال است که خود را چگونه می‌بینم و دیگران را چگونه می‌شناسم؟ به عقیده گیدنز^۱، هویت مربوط به فهم افراد درباره این است که چه کسی هستند و چه چیزی برای آنها مهم است (Giddens, 2001: p. 21). هویت بازشناسی خود از دیگران و مبین شخصیت هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای آن است. در حوزه سیاست این مسئله تحت عنوان هویت سیاسی مطرح می‌شود؛ که هدف از آن، تمایز جامعه «خودی» از «غیرخودی» است. اهمیت این مسئله تا جایی است که برخی بازشناسی هویت سیاسی را تبیین‌کننده تمایز دوست از دشمن و جوهر اصلی سیاست می‌دانند (Schmitt, 1996: p. 26). بر همین اساس، هویت سیاسی نشان‌دهنده شخصیت، نگاه و منش رفتاری یک جامعه در حوزه سیاست است، که مورد شناسایی دیگران قرار می‌گیرد.

جامعه اسلامی از دیگر جوامع بشری جدا نیست، اما دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های منحصر به خود است. این ویژگی‌ها که مبتنی بر دین اسلام است، منبع اصلی تغذیه‌کننده مبانی و مؤلفه‌های هویت سیاسی را تشکیل می‌دهد که به وفور در منابع اصلی فقهی اسلامی، به خصوص نهج‌البلاغه وجود دارد. به اعتقاد حضرت علی(ع) تشکیل حکومت، تأمین‌کننده امنیت شغلی مؤمنین و کافرین است، که به واسطه آن امنیت اجتماعی برقرار می‌شود (حلیمی جلودار، ۱۳۹۲: ص ۲). از منظر ایشان، سیاست عاملی برای شناخت و استفاده از روش‌ها، امکانات و ابزارهای مشروع برای اداره جامعه و در راستای تأمین رفاه مادی و معنوی مردم است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۴: ص ۲۶). در واقع بر مبنای هدف غایی جامعه اسلامی که هدایت مؤمنین به مسیر سعادت و کمال مطلوب مورد نظر الهی است، باید در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، شخصیت و هویت افراد جامعه برآمده از مؤلفه‌های مورد تأیید اسلام باشد. بنابراین، برخلاف جوامع غیراسلامی که در آنها نژاد، قومیت، جنسیت، فرهنگ و غیره، منابع اصلی هویت‌مندی افراد را تشکیل می‌دهد؛ در جامعه اسلامی، ایمان به خدا و تقوا مهم‌ترین منبع هویت‌سازی افراد جامعه به‌شمار می‌رود و این مسئله به تواتر در آیات قرآن، احادیث و روایات معصومین(ع) بیان شده است.

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی در نهج‌البلاغه به عنوان یکی از مراجع اصلی سیاست‌ورزی و سیاست‌شناسی اسلامی است. این هدف در راستای آن است، که برخی از

نامه‌های نهج‌البلاغه به خصوص نامه ۵۳، راه و رسم سیاست و آیین کشورداری را از همه جهات بررسی می‌کند و اصول پایداری را که هرگز کهنه نمی‌شوند، ترسیم می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ص ۳۴۵). به دیگر سخن، در نهج‌البلاغه دکتترین اداره جامعه از صدر تا ذیل و پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی شهروندان بیان می‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی این است که مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه کدامند؟

در نگاه حضرت علی (ع) سیاست و مبانی آن به دور از هر گونه حيله و نیرنگ هستند، چنانکه می‌فرماید: «به خدا قسم، معاویه از من سیاستمدارتر نیست؛ اما معاویه حيله‌گر و جنایتکار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم» (خطبه: ۲۰۰). پس سیاستی که بر پایه گناه و فریب مردم استوار باشد، مورد قبول اسلام نیست. بر همین اساس، در دولت علوی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مردم برای بازسازی هویت سیاسی آنها یک مسئله مهم است؛ چراکه «مردم، به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (مجلسی، ۱۳۸۱ق، ج ۷۵: ص ۴۶) و «همانا مردم با پادشاهان و دنیائیند» (خطبه: ۲۱۰)؛ «پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه حاکمان اصلاح گردند و حاکمان اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت» (خطبه: ۲۱۶). بنابراین، یکی از وظایف حکومت اسلامی ساختن هویت سیاسی مردم بر مبنای اصول مورد نظر اسلام است؛ زیرا جامعه و حکومت اسلامی بدون مؤمنین برخوردار از هویت سیاسی ساخته نخواهد شد و این امری مهم در ساخت حکومت علوی است. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه» انجام نشده؛ اما در برخی از پژوهش‌ها به مفاهیم و مضامین مشترک با این پژوهش اشاره شده، که از آنها بهره برده شده است. بنابراین پژوهش حاضر مسئله‌ای نو و فتح بایی تازه است، تا در منظر نقد و نظر محققین و پژوهشگران قرار گیرد و در آینده پژوهش‌های گسترده‌تری در این مسئله صورت پذیرد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سامان می‌پذیرد. همچنین از شیوه تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده و گردآوری داده‌ها نیز به روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. همچنین تلاش می‌شود با تحلیل محتوای مضامین و جملات حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه پیرامون موضوع بحث، نتیجه‌گیری درست حاصل گردد.

۲. چارچوب نظری: مفهوم پردازی

۲-۱. هویت

انسان همواره در حال جستجوی هویت و شناخت خویش است. البته این شناخت از خود زمانی پدید

می‌آید که انسان در جمع و در برابر دیگری قرار گیرد. بنابراین، هویت نیازمند شناسایی اجتماعی (خسروی، ۱۳۹۷: ص ۶۲) و اثبات هویت «خود» در مقابل هویت «غیر» است و این امری ضروری است. منابع متعدد هویتی شامل انتسابی (نژاد، قوم، اصل و نسب)، فرهنگی (مذهب، تمدن، قبیله، قومیت و ملیت)، سیاسی (حزب، ایدئولوژی و دولت)، ارضی، اقتصادی و اجتماعی است (هانتینگتون، ۱۳۸۴: ص ۴۸). ساختن یک جامعه و یک گروه بدون تعریف مبانی و مؤلفه‌های شناختی، هویتی و شخصیتی آنها ناممکن است. در واقع ویژگی‌های بی‌همتای شخصی شامل علایق و مهارت‌ها را می‌توان خصوصیات فردی انسان دانست که او را هویتمند می‌کند و از دیگران متمایز می‌سازد. پس هویت یک ویژگی منحصر به فرد و دائمی یک موجودیت است (Gioia, Schultz & Corley, 2000: p.64; Ashforth, Rogers & Corley, 2011: p. 1146). در حالی که هویت شخصی خصوصیات خاص شخص یا «من» را شامل می‌شود هویت اجتماعی متمایزکننده «ما» در مقابل دیگر گروه‌های اجتماعی و دیگر جوامع یا کشورها است. در فرایند هویت‌سازی این فرصت برای کنشگر اجتماعی فراهم می‌شود که او بتواند برای پرسش‌های بنیادین معطوف به چیستی و کیستی خود پاسخ مناسب را پیدا کند (Brown, 1999: p. 790). پیدایش هویت اجتماعی محصول ارزش‌آفرینی برای خود و گروه و جامعه خویش است، ارزش‌هایی که وجه ممیز ما با دیگران است و نتیجه آن دسته‌بندی جوامع با ارزش‌های متفاوت و شکل‌گیری هویت اجتماعی است. با توجه به تعاریف متعددی که از هویت وجود دارد، در این پژوهش منظور از هویت، مجموعه خصائل و خصوصیات رفتاری است، که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شود و از دیگران متمایز می‌گردد (تاجیک، ۱۳۸۳: ص ۲۹).

۲-۲. هویت سیاسی

هرچند هویت مسئله‌ای فردی و شخصی است، اما هنگامی که با محیط اجتماعی و روابط قدرت در محیط آمیخته می‌شود مفهوم «هویت سیاسی»^۱ شکل می‌گیرد. در واقع هویت سیاسی، یکی از وجوه و ساحت‌های هویت جمعی و برآمده از آن است. هویت سیاسی نمایانگر ارزش‌های سیاسی است که فرد در جامعه به آن اعتقاد دارد و مبنای مشارکت سیاسی فرد در اداره جامعه و سهم شدن در قدرت را تشکیل می‌دهد. بنابراین، نگرش و رفتار سیاسی شهروندان برخاسته از هویت سیاسی آنان است. براساس این تصور که هویت نمایانگر این است که شخص چه نگاهی به خودش دارد، هویت سیاسی را می‌توان به خود‌پنداری فرد براساس ایدئولوژی‌اش در رابطه با اهداف و آرمان‌های اساسی و در چگونگی ارتباط با جامعه و نظام

سیاسی، تعریف کرد (Grove, Remy & Zeigler, 1974: p. 75-259). در واقع هویت سیاسی یک فعالیت سیاسی برای هدایت آرزوها و تأثیرگذاری بر سیاست و کنترل آن است؛ توزیع ارزش‌هایی که بیشترین ارزش را دارند و از خواسته‌های اساسی به‌شمار می‌آیند، مانند حق تعیین سرنوشت (Syaiuddin, 2020: p. 79). هیز^۱، هویت سیاسی را نشانه‌ای از فعالیت سیاسی می‌داند (Heyes, 2007) و در یک نگاه وسیع‌تر، هویت سیاسی را نوعی زیست سیاسی می‌داند که توسط گروهی از افراد برگزیده می‌شود (Syaiuddin, 2020: p.79). در واقع هویت سیاسی همچون سپر و محافظی است که افراد یک گروه از آن برای حفاظت از ارزش‌های مورد نظر خود استفاده می‌کنند. در نتیجه، تعریف مدنظر پژوهش حاضر از هویت سیاسی را می‌توان با ویژگی‌های زیر در نظر گرفت: الف) کلیت روابط میان شهروندان و نهادها، همانند رفتار و شیوه مشارکت در فرایند سیاسی، معیارهای تخصیص منابع و هزینه‌ها و اعمال آنها؛ ب) ارزش‌ها و نمادهای (عقلانی و غیرعقلانی) که روایت جمعی و اجماع، ناپیدا بر مبنای آن شکل گرفته است و نیز توجیحات تخصیص خطرات، هزینه‌ها و منافع؛ ج) ترکیبی منعطف از دو مقوله نخست (الف و ب) (Henry, 2001).

۳. یافته‌ها و بحث

۳-۱. هویت سیاسی اسلامی

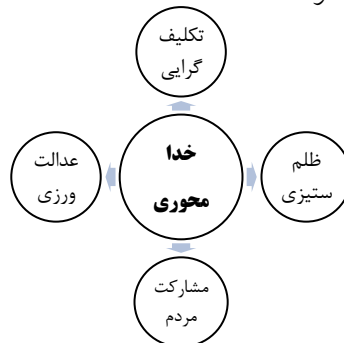
مذهب یکی از منابع تأمین‌کننده هویت سیاسی است که سعی می‌کند، با گنجاندن ارزش‌های دینی در روند سیاست‌گذاری‌ها نقش خود را ایفا کند (Nasrudin, 2018: p.36). از آنجا که در جامعه اسلامی همه چیز برآمده از دین و ارزش‌های دینی است، انواع هویت شامل هویت دینی، هویت تاریخی، هویت اجتماعی، هویت جغرافیایی، هویت فرهنگی و هویت سیاسی هم برآمده از دین اسلام و ارزش‌های متعالی آن است. به تعبیر دیگر در جوامع اسلامی، اسلام به عنوان تنها نقطه اقتدار نمادین، جهت وحدت‌بخشی، معنابخشی و معنایابی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین دین اسلام در این جوامع، نه تنها به عنوان یک قدرت برتر جهت ایجاد نظم سیاسی، بلکه به‌مثابه عنصری هویت‌بخش است که مسلمانان به وسیله آن خود را معرفی و تحقق می‌بخشند (نظری، ۱۳۸۵ ب، ص ۳۲۱). در اینجا اسلام‌گرایی همچون منظومه‌ای منسجم است که به دنبال ایجاد یک ساخت هویتی منحصر به فرد برای عرضه در مقابل دیگر هویت‌های غیر است، تا بتواند متکی بر این هویت سیاسی، جامعه و نظام سیاسی مطلوب خود را برپا دارد. از سوی دیگر در دین

1. Heyes

اسلام و سیره عملی امیرالمؤمنین(ع)، آزادی سیاسی و عقیدتی که از لوازم مهم ساخت هویت سیاسی است، به رسمیت شناخته می‌شود. به طوری که گفته می‌شود، «امیرالمؤمنین(ع) با خوارج در انتها درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد، آنها همه‌جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه‌رو می‌شد» (مطهری، ۱۳۷۶: ص ۱۴۳). ایشان با تأکید بر مؤلفه‌های حقیقی سازنده هویت سیاسی، به دنبال نشان دادن راه درست کنشگری و رفتار سیاسی در اسلام بودند. پس، آنچه ایشان فرموده‌اند و به آن عمل کرده‌اند، هنجارها و ارزش‌های حقیقی الهی هستند که در مسیر ساخت هویت سیاسی باید به عنوان «بایدها» و «نبایدها» مورد مذاقه و عمل قرار گیرد. بنابراین، اسلام ظرفیت و چارچوب لازم برای هویت‌بخشی سیاسی را در اختیار دارد و قدرتمندانه از آن برای ساختن جامعه مطلوب سیاسی مورد نظر خود استفاده می‌کند.

۲-۳. مؤلفه‌های هویت سیاسی در نهج‌البلاغه

هرچند در منابع اسلامی مفهوم خاص «هویت سیاسی» به طور واضح ذکر نشده است، اما گزاره‌ها و مفاهیمی وجود دارند که معنا و مفهوم هویت سیاسی و کارکردهای آن، از آنها استنتاج می‌شوند. در نگاه حضرت علی(ع)، دین اسلام منبع اصلی و نقشی مهم در تبیین مؤلفه‌های هویت سیاسی دارد و مبنای هویتی مسلمانان در همه ابعاد و شئون زندگی مادی و معنوی آنان است، چنان که می‌فرمایند: «اسلام را بزرگ بشمارید، از آن پیروی کنید، حق آن را اداء نمایید و در جایگاه شایسته خویش قرار دهید» (خطبه: ۱۹۸). آنچه بدیهی است، هدف اسلام ساختن هویت سیاسی برای انسان‌هایی است که ضمن برخورداری از سعادت و کمال فردی، جامعه اسلامی یا همان امت اسلامی را هم در این مسیر هدایت می‌نمایند و آن را از دیگر جوامع غیراسلامی متمایز می‌کنند. بنابراین، هویت سیاسی مسلمانان که در بستر چنین دینی شکل خواهد گرفت، ویژگی‌های زیر را در بر خواهد داشت.



شکل ۱- مؤلفه‌های هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه

۳-۲-۱. خدامحوری

خدامحوری و ایمان به خدای یکتا از ارکان هویت‌مندی انسان مؤمن است. انسان خدا محور در اندیشه اسلامی فردی است که در عقاید، اخلاق، فقه، حقوق و دیگر شئون خود موحدانه بیندیشد و موحدانه عمل کند؛ در غیر این صورت از حقیقت حیات انسانی بهره ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۳۷). حضرت علی (ع) ضمن اشاره به آیه ۱۳ سوره حجرات: «... در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست...»؛ متذکر می‌شود که برتری فقط در سایه اطاعت از خداوند و به کارگیری تقوا حاصل می‌شود؛ نه از طریق نژاد، نسب و هویت قبیله‌ای (محمودی، ۱۳۸۵ق: ص ۲۰۶-۲۰۰). به اعتقاد ایشان، هویت‌مندی انسان مؤمن بدون اعتقاد به خدا و حضور او در همه ابعاد مادی و معنوی زندگی معنایی ندارد؛ چنان که می‌فرمایند: «در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریب کاری دنیا بر نفس خویش بیمنانک باش و هیچ‌گاه از دنیا ایمن مباش» (نامه: ۵۶). پذیرش ولایت الهی سرمنشاء همه کنشگری‌های انسان مؤمن از جمله کنش‌گری سیاسی و هویت سیاسی برآمده از آن است. ایشان حتی حکومت بر مردم را هم برای خدا می‌خواهد و می‌فرمایند: «من شما را برای خدا می‌خواهم» (خطبه: ۱۳۶). این باور و ایمان قلبی به خدا و کسب آرامش از حضور او در تمام حوزه‌های زندگی، مبنایی برای هویت و رفتار سیاسی ایشان است؛ زیرا فرد مؤمن خدا را بر تمام اعمال، رفتار و کردار خود در همه امور و عرصه‌های مادی و معنوی زیست‌دنیایی خود حاضر و ناظر می‌بیند و این موضوع بر روش، منش و جهت‌گیری سیاسی او تأثیر سیاسی دارد؛ چراکه او خود را همواره تحت حاکمیت الهی می‌داند.

۳-۲-۲. تکلیف‌گرایی

جامعه را بدون برقراری نظامات حق و تکلیف و برقراری قانون نمی‌توان اداره کرد. قانون در همه دولت‌ها از خودکامه تا دموکراسی جایگاه بسیار والایی دارد؛ اما در همه این حکومت‌ها الزاماً به قانون عمل نمی‌شود؛ بلکه قانون‌محوری شعاری برای پیگیری اهداف تنگ‌نظرانه فردی و گروهی، یا زد و بند و ترجیح منافع خود بر منافع دیگر گروه‌ها است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۶۵). در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، حق و تکلیف (قانون) در کنار یکدیگر قرار دارند. به این صورت که «در رویکردهای کمال‌جویانه باید به همه رفتار و کردار آدمی به ویژه در مقام‌های قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی تسری یابد و آدمی باید به گونه‌ای هدایت شود که همواره آنچه را که مطابق حق است تقویت نماید و آنچه را که مطابق با حق نیست ابطال کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ج ۶، ص ۲۴۵). با کنکاش در قرآن، سنت پیامبر (ص) و نهج‌البلاغه مشاهده می‌شود که این سه منبع، سرشار از توصیه و تأکید به حکمرانان و مردم برای عدالت‌ورزی، تأمین امنیت، قانون‌مندی، مبارزه با

فساد و مانند آن است (سردارنیا، ۱۳۹۲: ص ۳۳). امام علی (ع) نیز، نه تنها خود بر محور حق و تکلیف عمل می‌کرد، بلکه کارگزاران خود را هم به آن وا می‌داشت. به طوری که مشاهده می‌شود به مالک فرمود: «او را فرمان می‌دهد به تقوای الهی و مقدم داشتن طاعت خدا و پیروی آنچه را که خداوند در کتابش از واجبات و سنت‌های خود امر فرموده [است]» (نامه: ۵۳). در واقع مردم در برابر حقی که دارند باید به تکالیف خود در برابر اسلام و جامعه اسلامی هم عمل نمایند. ایشان به مالک امر می‌کند: «حق را نسبت به هر که لازم است از نزدیک و دور رعایت کن، گرچه این برنامه به زیان نزدیکان و خاصانت باشد» (نامه: ۵۳). تا جایی که حضرت علی (ع) به مردم کوفه نهیب می‌زند: «ای مردم کوفه! بدن‌های شما در کنار هم، اما افکار و خواسته‌های شما پراکنده است» (خطبه: ۲۹)؛ که این نشان می‌دهد که امر حکومت و اداره جامعه اسلامی بدون حضور مردم تکلیف‌گرا به سامان نخواهد رسید. مردم باید یاری‌گر حکومت در اداره جامعه و نیل به هدف والای جامعه اسلامی باشند.

۳-۲-۳. ظلم‌ستیزی

ایستادگی در برابر ظلم و ستم و کمک به رفع آن هم از اصول هویتی نهج‌البلاغه است. ظلم می‌تواند جنبه‌های مادی و فیزیکی مردم را شامل شود و هم می‌تواند جنبه‌های معنوی مانند نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی و عقیدتی را شامل شود. از وظایف حکومت پرورش معنوی و روحانی مردم و کمک به آنها برای فراگیری دانایی و آگاهی است و این مسئله در شکل‌گیری هویت سیاسی آنها تأثیر مستقیم و قابل‌اعتنایی خواهد داشت؛ چراکه نگه داشتن مردم در جهل و بی‌خبری عملی ظالمانه است و مشارکت سیاسی مبتنی بر آن اداره جامعه را برای حاکمان بسیار سخت خواهد کرد. به همین دلیل است که مبنای هویت سیاسی مردم از نگاه نهج‌البلاغه مبتنی بر دانش و آگاهی است. درباره جنبه‌های فیزیکی ظلم، آن حضرت حفاظت و حراست از جامعه اسلامی و مردم را از وظایف حکومت می‌داند؛ به‌طور مثال در موردی که به زنی از مسلمانان و زنی از اهل ذمه تجاوزی صورت گرفته بود، فرمودند: «اگر برای این حادثه تلخ مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد» (خطبه: ۲۷). این مشیء حضرت علی (ع) است که مردم را به آن فرا می‌خواند و تعلیم می‌دهد. در حکومت ایشان هویت سیاسی مردم هم بر این اساس شکل گرفته و پرورش می‌یابد. ایشان در راستای آماده کردن بسترهای رفع ظلم به مالک اشتر توصیه می‌کند: «باید دورترین رعیت تو از حریم تو، و در شدت کینه تو نسبت به او کسی باشد که در حق مردم عیب‌جوتر است؛ زیرا در مردم عیبی هست که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است» (نامه: ۵۳).

۳-۲-۴. مشارکت مردم

مردم در نظام اسلامی به عنوان صاحب حق تلقی می‌شوند و حکومت حافظ حقوق مردم بوده و در برابر آنها مسئول است (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۲۸). بنابراین، کسب رضایت معقول مردم از اصول اساسی مدیریت و حکومت اسلامی است (جعفری، ۱۳۷۹: ۲۲۴). اینکه در قرآن به شورا و مشورت امر شده، نشان از نقش و جایگاه مهم مردم در نظام اسلامی برای شرکت در امور سیاسی - اجتماعی و اداره حکومت و جامعه اسلامی است. به عقیده علامه طباطبایی «امر» در این آیه همه کارها را در بر می‌گیرد، آنچنان که از کلمه «امر» در عبارت «اولی الامر» نیز همین مطلب فهمیده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۴، ص ۳۹۱). در اندیشه امام علی (ع) مردم آزاد و مختار هستند: «بنده دیگران مباش؛ در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نامه: ۳۱)، بنابراین، حکومت بدون خواست و نظر مردم معنا و مفهومی ندارد؛ چنانکه می‌فرمایند: «اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود ... دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم» (خطبه: ۳). این فراز بیان‌کننده قدرت مردم در واگذاری حکومت و بسط ید حاکم برای اداره جامعه است، که امروزه به آن مشارکت مردمی می‌گویند. حکومت اسلامی حکومتی است که هم در تشکیل آن و هم در استمرار و بقایای آن متکی به پشتیبانی و حمایت است. امام علی (ع) در نحوه بیعت مردم با خود نیز می‌فرمایند: «برای بیعت کردن به سوی من روی آوردید، همانند مادران تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند و پیاپی فریاد کشیدید بیعت! بیعت» (خطبه: ۱۳۷). این فراز نشان از اشتیاق زایدالوصف مردم برای مشارکت در امر سیاسی و عدم اعتناء و اشتیاق ایشان به این مسئله است. ایشان می‌فرمایند: «اگر بر امامت کسی گرد آمدند و او را امام خود خواندند، خشنودی خدا هم در آن است» (نامه: ۶). در حقیقت ایشان دلیل پذیرش حکومت بر مردم را به واسطه خواست و بیعت مردم می‌داند و می‌فرمایند: «روز بیعت از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آن که نزدیک بود حسن و حسین (ع) لگد مال گردند» (خطبه: ۳).

علاوه بر این، ایشان در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است» (نامه: ۵۳). در نگاه ایشان حاکم باید نسبت به مردم نرم‌خو و بخشنده باشد، حتی «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر» (نامه: ۵۳). امام (ع) مشارکت مردم را نه در ظاهر، بلکه در باطن امر سیاسی می‌داند و می‌فرمایند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد؛ که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را، خشنودی

همگان بی‌اثر می‌کند» (نامه: ۵۳). تا آنجا که به «عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند» (نامه: ۵۳)، تأکید می‌کنند. بنابراین، ایشان هیچ‌گاه مردم را به کاری مجبور نکردند و امور مردم را علناً اداره می‌کردند و اگر مردم در امری با ایشان مخالف بودند، رأی آنها را می‌پذیرفت و بدان عمل می‌کرد. تا آنجا که عده‌ای بر این باورند که همین امر سبب می‌شد، که آنها گستاخ‌تر شوند (طه حسین، ۱۳۵۴: ص ۱۸۷). البته این همراهی و احترام ایشان به اراده سیاسی مردم تا جایی بود که مخالف قوانین اسلامی و به ضرر مردم نباشد و فقط به ضرر شخص ایشان باشد. چنانکه فرمود: «سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبراه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود» (خطبه: ۷۴). این فقره نشان‌دهنده تفاوت مردم‌سالاری موجود در غرب با مشارکت مردم در اسلام است. چراکه مردم‌سالاری به مفهوم غربی به معنی نقش اصلی مردم در تعیین شکل و محتوای درونی حکومت و نظام سیاسی است؛ ولی در اسلام، مشارکت مردم در راستای کمک به امام و رهبر جامعه برای پیاده‌سازی احکام اسلام و اجرای دستورات الهی است.

۳-۲-۵. عدالت‌ورزی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت سیاسی حاکمان و مردم در نهج‌البلاغه، دوری از تعصبات، جلوگیری از افراط و تفریط، در پیشگیری رفتی و مدارا و در یک کلام، حق‌مداری و عدالت‌ورزی است. عدالت عامل قوام‌بخش و مشروعیت‌بخش به حکمرانی، و حکومت، عامل مهم استمرار همبستگی بین جامعه و حکومت و در نهایت، استحکام‌بخشی به جامعه است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ص ۴۲). این ویژگی از مختصات حکمرانی در نظام حکومتی انسان‌های شایسته و برگزیده الهی است که جز آن به دست نمی‌آید؛ زیرا ادعای عدالت و عدالت‌ورزی از مختصات همه حکومت‌های این جهانی است، اما کم‌تر نظامی را با این ویژگی‌ها می‌توان یافت. در این میان، به گواهی تاریخ، حقانیت ویژگی بارز شخصیتی و رفتاری حضرت علی (ع) بود و شخصیت ایشان مجذوب و ذوب در عدالت بود که به فرموده حضرت رسول (ص): «علی با حق است و حق با علی» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۹۴). امام (ع) در میزان اهمیت عدالت‌ورزی حاکمان می‌فرمایند: «همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است» (نامه: ۵۳). ایشان حتی بهترین سیاست‌ها را عدالت دانسته است (تمیمی آمدی، ۱۴۲۶ق: ص ۳۵۴) و در توصیف آن می‌فرمایند: «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد» (حکمت: ۴۳۷). ایشان عدالت‌ورزی را مشیء اصلی حاکم برای اداره حکومت می‌دانند و هدف خود را از اداره حکومت، برقراری عدالت، ستاندن داد مظلوم از ظالم و ادای حق هر ذی‌حقی می‌دانند. تأکید ایشان بر این امر به واسطه آن است

که معتقدند: «... در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است» (خطبه: ۴۸). آن حضرت عدالت‌ورزی را از صفات بندگان خوب خدا می‌داند و تأکید دارند: «خود را به عدالت وا داشته و آغاز عدالت او آن که هوای نفس را از دل بیرون رانده است، حق را می‌شناساند و به آن عمل می‌کند» (خطبه: ۸۷). در نگاه ایشان حکومت هر چه عادلانه‌تر با مردم رفتار کند، مقبولیت خود را افزایش داده و در نتیجه به اهداف دولت خود نزدیک‌تر است: «رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت میان آنها خرسند خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد» (نامه: ۵۳).

جدول ۱- جمع‌بندی نزدیک‌ترین شاخصه‌های سازنده هویت سیاسی
از منظر نهج‌البلاغه، (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۴)

ردیف	مؤلفه	شاخصه‌ها در نهج‌البلاغه
۱	خدامحوری	یاد خدا در هر حال (نامه: ۵۶)، تأکید بر ایمان و مراتب آن (حکمت: ۳۱)، پذیرش حکومت بر مردم در راستای امر الهی (خطبه: ۱۳۶). واگذاری خود به خداوند در همه امور (نامه: ۳۱)، توجه به خدا و اصلاح امور بین خود و خدا (حکمت: ۸۹)، لزوم اتکال به خدا (حکمت: ۲۷۳)، محبت بندگان به خداوند (خطبه: ۱۹۸).
۲	تکلیف‌گرایی	استقرار و پابندی به نظم و قانون (نامه: ۴۷، ۵۳؛ حکمت: ۲۵۲)، نهی از قانون‌گریزی (خطبه: ۲۴، ۲۷، ۱۰۵)، احترام به سلسله مراتب (نامه: ۱۲، ۱۳، ۵۰)، لزوم قانون‌مداری مردم و پابندی به اصول آن، مذمت تخلف (خطبه: ۱۰، ۵۵، ۶۱، ۱۳۸، ۱۷۳؛ نامه: ۳، ۶، ۸)، تأکید بر احساس مسئولیت، پابندی به عقود، تأکید بر مسئولیت ویژه خواص، اهتمام حاکمیت در نیل به رشد اجتماعی (خطبه: ۳، ۳۵، ۸۴؛ نامه: ۱۹، ۵۳)، اطاعت از رهبر، حق و تکلیف متقابل مردم و رهبر (خطبه: ۳۴، ۹۷، ۱۶۹، ۲۱۶؛ نامه: ۲، ۵، ۵۳).
۳	ظلم‌ستیزی	لزوم استرداد اموال به یغما رفته بیت‌المال (خطبه: ۱۵، ۴۱، ۴۴)، برقراری عدالت و ظلم‌ستیزی (نامه: ۶۲، ۴۷، ۷۶)، قاطعیت در تقابل با مسائل اقتصادی، اهمیت مراقبت از بیت‌المال، تقبیح وجود مفاسد در کارگزاران، لزوم برخورد با تخلف، قاطعیت در برخورد با مفاسد، حقوق حکام بر کارگزاران (خطبه: ۳، ۶، ۱۵، ۱۱۹، ۲۲۴، ۲۳۲؛ نامه: ۵، ۲۶، ۵۳، ۷۹)، قاطعیت در قبال دشمن، مراقبت در مقابل منافقان، ضرورت تأمین امنیت اجتماعی (خطبه: ۱۷، ۳۴، ۴۰، ۹۷، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۹۴؛ نامه: ۷، ۱۰، ۵۳).
۴	مشارکت مردم	شرکت مردم در اداره جامعه (نامه: ۱، ۴، ۵۷)، ارتباط مستقیم با مردم (نامه: ۱، ۲، ۲۹)، احترام به رأی، نظر و انتخاب مردم (خطبه: ۲۵، ۴۰، ۴۴)، پرهیز از استبداد و خودمحموری، لزوم مشورت (خطبه: ۳۰، ۸۸، ۲۱۶؛ نامه: ۵، ۳۱، ۳۶، ۵۳)، ضرورت پاسخگویی به مردم (خطبه: ۸۷، ۹۲، ۱۱۸؛ نامه: ۴۶، ۵۳)، پذیرش انتقاد از سوی حاکمیت (خطبه: ۲۰۵، ۲۱۶؛ نامه: ۱، ۷، ۵۳)، تکریم کرامت انسانی، نفی دیکتاتوربسم، توجه به همه آحاد اجتماع، اهمیت رضایت عمومی، تأثیر رضایت عمومی بر بقای حکومت، توجه به حقوق ملت، ضرورت رأفت حاکمیت با عوام و دشمن (خطبه: ۳؛ نامه: ۸، ۱۹، ۲۷، ۵۳)، لزوم مسئولیت اجتماعی در حاکمیت، تأکید بر جذب حداکثری امت، استفاده اقتصادی از مردم‌سالاری (خطبه: ۱۲، ۵۵، ۷۱، ۱۷۳؛ نامه: ۵۳، ۵۴).

ردیف	مؤلفه	شاخصه‌ها در نهج‌البلاغه
۵	عدالت‌ورزی	تلاش در برقراری قسط، عدل و مساوات (خطبه: ۱۵، ۳۴، ۱۲۶؛ نامه: ۹، ۲۷، ۴۶، ۵۳، ۵۹). تأکید بر احقاق حق (خطبه: ۲۰۵، ۲۱۶). قاطعیت در تقابل با مسائل اقتصادی، اهمیت مراقبت از بیت‌المال، تقبیح وجود مفاسد در کارگزاران، لزوم برخورد با تخلف، قاطعیت در برخورد با مفاسد، حقوق حاکمان بر کارگزاران (خطبه: ۳، ۶، ۱۵، ۱۱۹، ۲۲۴، ۲۳۲؛ نامه: ۵، ۲۶، ۵۳، ۷۹). آگاهی و آموزش مردم (خطبه: ۵، ۱۱، ۱۶). تحقق عدالت اقتصادی (نامه: ۴۳، ۵۳، ۷۰).

۴. نتیجه‌گیری

همه جوامع بشری به دنبال هویت‌سازی برای خود در مقابل دیگران و اغیار هستند. هویت مرزهای میان آنها و دیگران را مشخص کرده است و خودی را از غیر خودی بازشناسی می‌کند. وقتی که هویت رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی می‌گیرد و با منابع قدرت و حاکمیت پیوند می‌خورد، مفهوم هویت سیاسی متولد می‌شود، که بیان‌کننده نوع رفتار و کنشگری سیاسی یک ملت در مواجهه با پدیده‌های سیاسی است. هدف پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت سیاسی از منظر نهج‌البلاغه بود و به همین دلیل، پرسش اصلی نیز بر مبنای هدف مذکور طراحی گردید. مطالعه این موضوع در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد، که یکی از اولویت‌های اصلی آن حضرت پس از تشکیل حکومت، بازسازی منابع هویت سیاسی جامعه بوده است. در واقع هدف حضرت علی (ع) از تبیین مؤلفه‌های هویت سیاسی مردم، بازسازی فرهنگ سیاسی آنها پس از به حاشیه رانده شدن ارزش‌های الهی - سیاسی دوران پیامبر (ص) بود که و در دوران خلفای سه‌گانه جایگزین ارزش‌های مبتنی بر عرب‌گرایی و قبیله‌محوری شده بود. ایشان از این جهت که مردم باید رفتار سیاسی مطلوبی داشته باشند تا نظام سیاسی حاکم بتواند به پشتوانه کنشگری سیاسی درست و الهی آنها به مطلوبیت‌های اصلی خود، که همانا اجرای احکام الهی و سعادت مردم است دست پیدا کند؛ به دنبال تربیت و هدایت مردم به سمت ارزش‌های الهی - سیاسی دوران پیامبر (ص) بود. پس هویت‌مندی سیاسی و تلاش برای تبیین آن راهبردی مهم و ضروری برای پایایی و کارآمدی نظام سیاسی اسلامی است. با بررسی موضوع در نهج‌البلاغه، پنج مؤلفه سازنده هویت سیاسی شناسایی شد، که بیشترین قرابت معنایی و مفهومی را در راستای ساخت هویت سیاسی جامعه اسلامی دارند. این مؤلفه‌ها شامل «خدامحوری»، «تکلیف‌گرایی»، «ظلم‌ستیزی»، «مشارکت مردم» و «عدالت‌ورزی» است که در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در ساختن هویت سیاسی جامعه اسلامی نقش داشته‌اند. بنابراین، حاکمان جامعه اسلامی باید در راستای حفظ هویت اسلامی جامعه ضمن تأکید بر مؤلفه‌های فوق، در راستای آگاهی‌بخشی

و گسترش آن در سطح جامعه جدیت لازم را داشته باشند، تا جامعه به آرمان‌های مطلوب و مورد نظر ارزش‌های اسلامی هرچه بیشتر نزدیک شود. این مسیر به وسیله فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی صحیح و در یک فرایند گام به گام، با طراحی چارچوبی روشن و دقیق توسط نخبگان و متخصصان متعهد، در دسترس قرار خواهد گرفت.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- پورعزت، علی اصغر؛ الوانی، سیدمهدی؛ خنیفر، حسین؛ هاشمی، صدیقه‌السادات (۱۳۹۴). تدوین الگوی رفتاری کارگزاران در حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی (ع) براساس متن نهج البلاغه. مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۴(۱): ص ۶۵-۱۰۲.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). جهانی شدن و هویت. تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۲۶ق). غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). حکمت سیاسی اسلام. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). امام مهدی (عج) موجود موعود. تحقیق: سیدمحمدحسن مخبر. قم: مرکز نشر اسراء؛ چاپ یازدهم.
- حسین، طه (۱۳۵۴). علی و فرزندان. ترجمه محمدعلی شیرازی. تهران: گنجینه، چاپ چهارم.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۲). آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱(۱): ص ۱-۹.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۷). رابطه متقابل هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن. مطالعات راهبردی، ۲۱(۸۰): ص ۵۵-۷۴.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱). شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چارچوب نظریه سیستمی. در: مجموعه مقالات همایش حکمروایی خوب شهری. تهران: انتشارات صدرا، ج ۱.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۲). شاخص‌ها و نسبت مشروعیت مردمی و دینی حکومت در نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱(۱): ص ۳۹-۵۰.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا. مطالعات حقوقی، ۶(۴): ص ۲۷-۵۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۴.
- کلینی، محمدیعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۱ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۷۵.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۷۴). سیاست‌نامه امام علی (ع). ترجمه مهدی مهریزی. تهران: انتشارات دارالحدیث.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۸۵ق). نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). جاذبه و دافعه علی (ع). قم: صدرا، چاپ بیست و پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام: شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۵ الف). پست مدرنیسم و هویت سیاسی. مطالعات ملی، ۷(۲۷): ص ۱۱۵-۱۳۶.

- نظری، علی اشرف (۱۳۸۵ ب). غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام. سیاست، (۱)۳۸: ص ۳۱۷-۳۳۴.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). چالش‌های هویت در آمریکا. ترجمه محمدرضا گلشن پژوه. تهران: ابرار معاصر.
- Ashforth, B.E., Rogers, K.M. & Corley, K.G. (2011). Identity in organizations: Exploring cross-level dynamics. *Organization science*, 22(5): p.1144-1156.
- Brown, R. (1999). *Social Identity*. In: A. Kuper & J. Kuper (eds). *The Science Encyclopedia*. London: Routledge.
- Giddens, A. (2001). *Culture and society*. Fourth edition. Polity Press, Cambridge.
- Gioia, D.A., Schultz, M. & Corley, K.G. (2000). Organizational identity, image, and adaptive instability. *Academy of management Review*, 25(1): p.63-81.
- Grove, D.J., Remy, R.C. & Harmon Zeigler, L. (1974). The Effects of Political Ideology and Educational Climates on Student Dissent. *American Politics Quarterly*, 2(3): p.259-75.
- Henry, B. (2001). *The Role of Symbols for European Political Identity*. In: F. Cerutti & E. Rudolph (ed.). *A Soul for Europe*. Vol. 2. An Essay Collection: p. 49-70.
- Heyes, C. (2007). *Identity Politic*. Amerika Serikat: Stanford Encyclopedia of Philosophy.
- Nasrudin, J. (2018). Politik identitas dan representasi politik (Studi kasus pada Pilkada DKI periode 2018-2022). *Hanifiya: Jurnal Studi Agama-Agama*, 1(1): p. 34-47.
- Schmittm, C. (1996). *The Concept of the Political*. Chicago: University of Chicago Press.
- Syaifuddin, A.C.I. (2020). Political Identity: The Bargaining of Center Politic Party Spectrum on the Selection of Indonesian vice President in 2019 General Election (Literature Study: The Candidacy of Jokowi's vice President Candidate). *International Journal of English Literature and Social Sciences (IJELS)*, 5(1).